

آچارکشی

درآمد امسال؛ پدرمان بود



پوریا عالمی

● معاون رئیس‌جمهور، شهیندخت مولاوردی، گفت: «خانواده‌ها نیازمند درآمد زنان هستند» و حجت را بر ما تمام کردند.
بابابزرگ ما دوتا همسر عقدی داشت و سها هم صیغه کرده بود، سرجمع هم ۱۱تا بچه داشت که تازه سها تا سر زار رفته بودند، دوتا هم تو راه رفته بودند، چهارتا هم سسر راه گذاشته بودند. این‌طوری بگویم که اگر بابابزرگ ما یک زور دیگر زده بود و سه نفر به خانواده اضافه کرده بود، می‌توانست اعلام استقلال کند یا درخواست بدهد جمعیتش به حدصاب برسد و به‌عنوان استان معرفی شود.

خلاصه بابابزرگ ما خودش کار می‌کرد و لشکری را که پس انداخته بود، نان می‌داد. این‌طوری که می‌هشاش هم ازدواج می‌کردند، نمی‌رفتند که می‌آمدند یک اتساق برمی‌داشتند و نان‌خور اضافه می‌شدند.
این بابابزرگ ما بود. بابای ما ازدواجش خورد به تحولات و کارش به گرفتن زن دوم نرسید. یعنی اقتصاد طوری شده بود که تا ول نمی‌کردی، نمی‌توانستی بعدی را بگیری. حالا چی؟ حالا که نوبت ما شده، برعکس بابابزرگمان که کار می‌کرد ۲۰ نفر می‌خوردند، الان ۲۰ نفر باید کار کنند که یک نفر شارژ ساختمان را بدهد. بعد تازه معاون رئیس‌جمهور می‌گوید خانواده نیازمند درآمد زن است. کجای کارید؟ الان پول‌توجیبی بچه را که در بودجه خانواده ردیف مشخص دارد، برمی‌دارند خرج پرکردن یخچال می‌کنند. به‌نظر ما با این اوضاع اقتصاد که ما توش ماندیم و از پس زندگی برنمی‌آییم، درآمد زن و مرد که هیچی، باز می‌رسیم به همان حرف عمران صلاحی که: تنها درآمد امسالمان پدرمان بوده.

همین حوالی

در خندوانه

● راه دوری نمی‌رویم همین نزدیکی‌ها برنامه خندوانه که هر شب در ساعت ۲۳ از شبکه نسیم پخش می‌شود. مسئولان سیما آن‌قدر از کار خود مطمئن هستند که چهاربار دیگر هم تکرارش برای بینندگان پخش می‌شود، اولین تکرار ساعت سه شب، دومین تکرار ساعت هفت صبح، سومین تکرار ساعت ۱۱ ظهر و آخرین تکرار ساعت ۱۷ بعدازظهر. در مجموع پنج‌بار در مجموع بیش از ۳۰ درصد زمان یکی، دو ماه گذشته شبکه نسیم در اختیار این برنامه بوده است. اینکه رامبد جوان برنامه‌اتفاق افتاده است که مسئولیت این برنامه ببرد خود اتفاق نیکویی است. اینکه عروסקی ساخته شده به نام جناب‌خان که با تکیه‌کلام‌هایی نظیر «میام براتلا!»، «خندوانه یعنی!!!»، «جن تو بگو!!!»، «اخی» و «اوفففففه» محبوب شده، خود نیز جای تامل دارد. اما چند نکته متفاوت در این برنامه اتفاق افتاده است که مسئولیت این برنامه را بالا می‌برد و واکنش‌ها به این برنامه می‌تواند بازتاب جامعه باشد. خندوانه برنامه‌ای زنده نیست و طبق رسم معمول حتماً با بازیگری روی آنتن می‌رود. خندوانه در دو مقوله وارد شده است: حضور افراد سیاسی همچون حدادعادل و... و اجرای برنامه اسندآباد کمدی بین‌کمدین‌های شناخته‌شده. مردم بااشتیاق این برنامه را پیگیری می‌کنند. کمدین‌ها را مقایسه می‌کنند و در هیجان آن شرکت می‌کنند. گاهی حتی به یاد نمی‌آورند که یک زمانی امین حیایی، جزء افراد نامحبوب جامعه بود که حتی در صف بلیت هویلیما طرد می‌شد ولی اکنون با گذر زمان و فراموشی تاریخچه این کمدین‌های است که بالاترین طرفدار را دارد و حتی واکنش‌های فضای مجازی هم از محبوبیتش نمی‌کاهد. واکنش بلافاصله به برنامه و انتشار تصاویر و بخش‌های مختلف آن در شبکه‌های مجازی نشان دیگری از تأثیرگذاری برنامه دارد. گاهی حاضران در برنامه برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شوند مثلاً کسی پیدا می‌شود مانند علیرضا خمسه که برای اجرای برنامه به شهرک سینمایی می‌رود و حتی لباس موردنظرش را از آرشیو آنجا برمی‌دارد و کلی کتاب خریزه‌وهی را بر زيرپو می‌کند و دو خر و موسیقی و لباس ویژه وارد می‌شود و گاهی هم کسی مانند «جواد رضویان» فقط به احترام تماشاگران به برنامه می‌آید و به قول خودش با خیرگی تمام می‌آید و فقط ابزار ارادت می‌کند. از سویی دیگر این برنامه به‌عنوان الگو، گهگاه جملات و کلماتی نه‌چندان درست را اشاعه می‌دهد. اینکه غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در یک روند حتماً فک‌رشده از کلمه «حروملقمه» برای منتقدان معادل‌های ساخته‌شده توسط فرهنگستان استفاده می‌کند و تأکید می‌کند درازاویز زینتی و کش‌لقمه و درازلقمه و گردلقمه جزء واژه‌های ساخته‌شده فرهنگستان نیست، واکنش هم خنده است و تکرار دوباره کلمات و این سؤال پیش می‌آید که استفاده از این واژه به این‌گونه بر صحت آن تأکید می‌کند؟ به‌هرحال این‌روزها این برنامه جزء آثار پُرطرفدار جامعه است و حتی دریافت بیش از ۵۰۰ میلیون تومان از شهرداری با موارد دیگر هم از محبوبیت آن کم نکرده است و هرروز بر تعداد اسپانسرهایش افزوده می‌شود.

شترنامه

پنجشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۴
۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۳۶
۱۷ سپتامبر ۲۰۱۵
سال سیزدهم
شماره ۲۴۰۰
۱۶ صفحه
ویژنامه
اذان ظهر تهران ۱۲:۵۹
اذان مغرب ۱۹:۲۷
اذان صبح فردا ۵:۲۴
طلوع آفتاب ۶:۴۹

روزنفرها

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

بنی آدم اعضای یکدیگرند؟



کودکی

کیفیت را دریغ نکنیم



محمدهادی محمدی

برای بسیاری از مردم کیفی‌بودن کتاب کودک موضوعی ناشناخته است. آنها تصور می‌کنند هر چیزی که در قالب کتاب کودک تولید شود، برای کودکان مناسب است. درحالی‌که چنین نیست. بخش بزرگی از آنچه به‌عنوان کتاب‌های کودکان تولید می‌شود، کیفیت لازم برای در دسترس کودکان گذاشتن را ندارد. یادمان باشد که ادبیات کودکان یا هنر کودکان بازار بزرگ و فریبنده‌ای است که سودجویان را به‌سوی خود می‌کشاند. در چنین وضعی طبیعی است که آثاری به نام کتاب یا ادبیات کودکان تولید شوند، اما معیارهای لازم را از نظر کیفی نداشته باشند. با این مقدمه باید گفت کتاب باکیفیت برای کودکان چه ویژگی‌هایی دارد و چه کسانی می‌توانند درباره کیفیت این کتاب‌ها نظر بدهند.

کتاب کودک سازه‌ای از جنس کاغذ، مقوا، پارچه یا بسته‌ای نرم‌افزاری است که در خود محتوایی دارد. برای مخاطبان این کتاب‌ها جنس کتاب کاغذ یا پارچه و ... باید استاندارد باشد و برای نمونه به پوست یا چشم و لب‌ها و دهان کودک آسیب نرساند. پس از آن محتوا یا اندرونه کتاب است که اهمیت دوچندانی دارد. کتاب‌های کودکان معمولاً آمیختی از تصویر و متن هستند. این تصویرها و متن‌ها باید در خود چیزهایی داشته باشند که سبب رشد شناختی و هیجانی و اجتماعی کودکان شوند. هرچقدر که این عناصر با چیزها در کتاب بیشتر باشد، آن کتاب باکیفیت‌تر است.

یک داستان یا شعر زیبا که سرشار از آهنگ و کنش است و تخیل ناب دارد و با استادی نویسنده یا شاعر در کالبد واژه‌ها به هم بافته و آفریده شده است در کنار تصویرهایی که کودک را با رنگ و بافت و چشم‌اندازهای دیداری و نگاه ویژه تصویرگر آشنا می‌کند، چنان دنیایی سرشار از احساس و هیجان برای کودکان می‌سازد که کمتر پدیده‌ای توانایی رقابت با آن را دارد.
کودکان محتوای این کتاب را به جان می‌نویسند و با بده‌بستان با واژگان و تصویرها از جنبه زبانی و دیداری رشد می‌کنند و از جنبه هیجانی لذت می‌برند و از جنبه اجتماعی ساختار پیچیده جامعه را بهتر درک می‌کنند و ارتباط‌های اجتماعی را از درون روابط داستانی می‌شناسند و به کار می‌بندند.

آکادمی

شقاق غیر ضرور بین علم و هنر



عبدالرحمن نجل رحیم

عصب‌شناس و عصب‌پژوه

«ج‌رالد ادلمن»، متفکر نظریه‌پردازی که می‌خواهد از دانش مغزپژوهانه به معرفت‌شناسی برسد و جریان آگاهی از آگاهی را در نگاشت‌های پویای مدارهای مغزی انسان جست‌وجو می‌کند، بسیار پیچیده می‌نویسد و طبیعتاً ترجمه آثار او نیز بسیار مشکل است. یکی از مفاهیم در نظریه «ادلمن» که در این یادداشت سعی در ساده‌کردن آن دارم، ریشه مشترکی است که او بین علم و هنر قائل است که امروزه به‌عنوان دو شاخه جداازهم‌فاده معرفت بشری شناخته می‌شوند. از نظر «ادلمن»، مغز سامانه‌ای ارزش‌یاب، انتخابگر و معنا ساز است. شکل‌گیری تخیل در انسان، به نگاشت‌های مغزی از استعاره‌های جسمانی در حین حرکت و عمل مربوط می‌شود. این استعاره‌های مفهومی اولیه، تخیل را ممکن می‌کند و تفکر انتزاعی را در انسان موجب می‌شود که ریشه در تجربیات جسمانی دارد. «ادلمن» روال تفکر اولیه انسان را بر مبنای رابطه جسمانی استعاری او می‌داند. شیوه بنیادین فکر، از

گزارش فردا

«گذرهراسی»: فریاد هنرمندان علیه اسیدپاشی

شرق؛ ماجرای اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای بر صورت زنان پایان نمی‌گیرد، اگرچه فعلاً هیچ خبری از اسیدپاشی نیست اما واکنش جامعه هنرمندان و خصوصاً زنان هنرمند، تازه شروع شده است. این‌روزها در «طراحان آزاد» نمایشگاه «گذرهراسی» برپاست که می‌توان آن را یکی از شیوه‌های فرهنگ‌سازی جامعه هنری در مقابل پدیده‌هایی چون اسیدپاشی دانست. رزیتا شرف‌جهان، شادی قدیریان، گوهر دشتی، پرستو فروهر، صالح تسیخی، ماندانا مقدم، الهه مقدمی، کتایون کرمی، سیمین کرامتی، پروین شکری، علی‌رضا نکویی، نسیم تقی‌پور، بهروز حشمت، نسیم گلی و نازنین خسرویا هنرمندانی هستند که آثار خود را در این نمایشگاه به نمایش گذاشتند تا از زبان هنر به واگویه نگرانی‌های زنان از حضور در جامعه‌ای بگویند که محال است خاطرات اسیدپاشی اصفهان را فراموش کنند. در ورودی نمایشگاه، برگزارکنندگان به‌عنوان توضیحی بر آثار خود نوشته‌اند: «باسخ‌ن‌دادن به این سؤال که زنان کجا به حقوق اجتماعی خود می‌رسند، موجب شده که همچنان سهم آنها از حیات اجتماعی خشونت باشد؛ چه در شکل عیان آن مانند اسیدپاشی و چه در اشکال نهفته‌ترش مانند مزاحمت در یک تاکسی. هنرمندان در «گذرهراسی» به این سؤالات پرداخته‌اند. آنها را دوباره مطرح کرده و گاه در پی پاسخ به آنها برآمده‌اند و کوشیده‌اند در نقاشی، چیدمان و ویدئوهایی خود باز هم این پرسش‌ها را بیان کنند». رزیتا شرف‌جهان، مدیر گالری طراحان آزاد که خودش نیز به‌عنوان نقاش و ویدئوهای خودشان را در این نمایشگاه به نمایش گذاشته، درباره دلایل نقاش در این نمایشگاه به «شرق» می‌گوید: «با توجه به حساسیت‌های اجتماعی‌ای که درباره مسئله اسیدپاشی بود، به نظر ایده کیوریتور این مجموعه ایده جالبی بود که پس از خوابیدن سروسزدها، این نمایشگاه برپا شود». هرچند در گذشته نیز حوادثی نظیر اسیدپاشی زنجیره‌ای در جامعه داشته‌ایم اما بی‌نتیجه‌ماندن این پرونده و خشونت‌های مشابه و بعضاً ساستی که در قالب‌های خانوادگی و فردی، علیه زنان اتفاق می‌افتد شاید در قالب هنر، قابل یادآوری باشند، یادآوری اینکه این ماجراها س‌رافراز مخالفت با حضور اجتماعی زنان نباشد. اول قرار بر این بود که فقط زنان هنرمند در این نمایشگاه باشند اما برگزارکنندگان، دریافته‌اند که موضوع برگزاری چنین نمایشگاهی صرفاً دغدغه زنان نیست چراکه «در آن‌روزها، همسران، پدران و پسران هم از اتفاقات افتاده برای بستگان خانمشان، وحشت داشتند و همین موضوع، اسیدپاشی را به یک مسئله عمومی بدل کرده بود».
بالبین‌جمعه، صدای چنین نمایشگاه‌هایی تا چه حد به جامعه هدف آنها که زنان آسیب‌دیده‌ای در معرض آسیب هستند می‌رسد؟ شرف‌جهان به فاصله عمیق میان هنر و کلیت جامعه معترف است اما می‌گوید دراین‌میان اگر ان‌جی‌اوهایی باشند که بتوانند صدای هنرمندان را به عموم مردم برسانند شاید بتوان به تأثیرگذاری بیشتر چنین نمایشگاه‌هایی امیدوار بود: «متأسفانه تعداد مخاطبان گالری‌ها به‌طورکلی پایین است و شاید در نهایت بعد از طراحان آزاد بتوانیم این نمایشگاه را در اصفهان هم برگزار کنیم، پس اگر گروهی این مسئولیت را بپذیرند که ارتباط میان فضای هنری و عموم مردم افزایش یابد می‌توانیم امیدوار باشیم که نمایشگاه ما به هدف خودش رسیده است».
نمایشگاه گذرهراسی تا ۳۱ شهریور در گالری طراحان آزاد، همه‌روزه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ میزبان کسانی است که در حوادث اخیر، به‌دنبال یافتن پاسخ‌هایی درباره حقوق زنان و مشکلات آنها در جامعه امروز بودند.

سرچشمه‌های مغزی تخیل در علم، فرقی با شیوه‌های دیگر تخیل از جمله در هنر ندارد. خاستگاه هردو آنها تخیل خلاق است. از نظر «ادلمن» علم و معارف دیگر، فرایندهای مغزی مشترکی دارند و بین آنها شقاقی بنیادین وجود ندارد. درواقع نگاه به یک پدیده از دو منظر است. تخیلات خلاق در علم و هنر، بازتاب توانایی مغز ما در ایجاد طبیعتی ثانوی است. «ادلمن» در نظریه خود به اشکال حقیقت از منظر سوم‌شخص در علم و منظر اول‌شخص در هنر توجه دارد. آنچه به آن نمی‌پردازد، شکلی از حقیقت است که در منظر دوم‌شخص در ارتباط با اول‌شخص پدید می‌آید که در وهله اول به علت گسترش پیوندهای استعاری و تشخیص آگوها و شکل‌گیری تخیل در مغز، احساسات همدلانه ممکن می‌شود که توانایی روابط بین‌آذهنی و بین‌افردی را توسعه می‌دهد. بدیهی است که این وجه مهم از توانایی انسان موجب گسترش نگاشت‌ها در پیوند مغزی و استفاده از توانایی‌های نگاشتی مغز دیگران و فهم جمعی می‌شود و در فرایند اجتماعی‌شدن هنر و وجوه کاربرد علم، به‌عنوان مثال و به‌طور مشخص در پزشکی و روابط بین بیمار و طبیب، اهمیت پیدا می‌کند.
«این مطلب به بهانه ترجمه طبیعت ثانوی (علم مغز و معرفت بشری)، ج‌رالد ادلمن نوشته شده است.

آینه‌های روبه‌رو

سیدمحمد بهشتی در گفت‌وگو با «شرق»:

مکان‌های مقدس عربستان، تعلقی به دولتشان ندارد

کرده‌اند. در مکان‌های مقدس، دارالضیافه‌هایی ساخته‌اند که ویژگی‌شان این است که مسجد زیر پایش قرار دارد. اساساً نهایت بی‌ادبی به این مکان‌های مقدس اتفاق افتاده که برج ساعت تنها یکی از نمونه‌های آن است.

کا اسدلال ساخت این هتل‌ها، ایجاد امکان رفاه بیشتر برای حجاج و زائران است.

ما هم می‌دانیم که جمعیت زیاد شده و نیازهای آنها باید پاسخ داده شود اما می‌توان این خدمات را به ترتیبی به آنها ارائه کرد که تقدس مکان و ادبی که باید در موردش بجا آورده شود، زیر سؤال نرود. اصولاً هنر معماری و طراحی شهری همین است که بتواند به این سؤال‌ها جواب‌هایی قانع‌کننده‌ای بدهد اما می‌بینیم که متأسفانه هنر معماری در ساخته‌های جدیدشان تنها به تزئینات پرجاه‌وجلال خلاصه شده است.

کا وقتی که یک بنا چنین اهمیتی برای جامعه بزرگ مسلمانان دارد آیا یک دولت یا حکومت حق هرگونه دخل‌وتصرف در آن را دارد؟

مکان‌های مقدسی که در عربستان وجود دارند، تعلقی به دولت عربستان ندارند، آنها صرفاً اماکندار این مکان‌ها هستند از سوی مسلمانان جهان. کعبه، قبله تمام مسلمانان است و نمی‌شود بدون مشورت و مشارکت تمام مسلمانان در این مکان‌های مقدس، تغییراتی را انجام داد. اما متأسفانه ساخت‌وسازهای تازه در این کشور چنان بدون مشورت و خودسرانه صورت می‌گیرد که حتی بسیاری از حجاج از آنها بی‌اطلاع هستند. به اعتقاد من این نهایت وحشیگری است و فکر می‌کنم این اقدامات خودسرانه و دخل‌وتصرف‌های غیراصولی که در انبیه مقدس عربستان می‌شود، از حالت عادی خارج شده و به یک حالت غیرعادی بدل شده است.

کا چرا مسلمانان به این موضوع اعتراض نمی‌کنند؟
بهرتر است ابتدا این سؤال را مطرح کنیم که چطور قرار است مسئولان کشور عربستان به خاطر این دست‌اندازی‌ها، جوابگوی مسلمانان باشند و بعد برپرسیم که چرا جامعه اسلامی، مسئولان این کشور را بابت این رفتارشان مؤاخذه نمی‌کنند. امروز شاهد هستیم که در حق مکان مقدسی که اختیار آن با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر است، خطاهای فاحش تاریخی شکل گرفته و این موضوع حکایت از آن دارد که مکان‌های مقدس مسلمانان جهان در شرایط امروز تحت چه نوع حاکمیتی اداره می‌شوند.

کا چگونه از تنوع اداره این مکان‌ها می‌شود به هویت حکومت‌ها و دولت‌ها در عربستان پی برد؟
نگاهی به دوره‌های مختلف حکومت در کشور عربستان یادآور خاطرات تلخی چون تخریب مسجدالحرام، به‌سرقت‌رفتن سنگ حجرالاسود و ضایعه‌هایی این‌چنینی است. به اعتقاد من، دوره فعلی هم دوره‌ای گذراست و خواهد گذشت. ما در دوره‌های قبل تاریخی شاهد بوده‌ایم کسانی که دست به تخریب در سرزمین مقدس مسلمانان زده‌اند، بعدها با زشتی از آنها یاد شده و این‌بار، کسانی که به بهانه ساختن، ویران می‌کنند نیز به زشتی در تاریخ ثبت خواهند شد.

پیشنهاد فردا

آموزش صلح در جهان امروز نیز در این شماره به چاپ رسیده است. درباره اعلامیه جهانی تکالیف بشر، انسان دشواری وظیفه است و داستایفسکی، کافکا و مسئله گناه از مقالات منتشر شده در این شماره است. محمد دهقانی به یاد دکتر مظفر بختیار که خدمتگزار ایران و فرهنگ ایران بود نوشته است. این شماره «نگاه نو» هم چنین داستانی از کاترین مینسفیلد و ترجمه دو شعر از یاروسلاو سایفرت توسط پرویز دلوایی را در خود دارد.



«نگاه نو» در شماره تابستان خود به ماجرای این‌روزهای دنیا توجه کرده است؛ مسئله مهاجرت، علی میرزایی، به‌عنوان مدیرمسئول در صفحات ابتدای مقالات با عنوان «آوارگی، مهاجرت، برآیند استبداد، فقر و جنگ» نوشته است و در بخش ایران امروز مطالبی درباره برجام و عوایب پذیرفته‌شدن توافق هسته‌ای منتشر شده است. اما مقاله‌ای از «رامین جهانگلگو» آن‌هم درباره آموزش برای صلح که درواقع گریزی است بر بحث